

۱۶۴۱۵۳۸

۱۴۰۲/۲/۹



نشر ایران‌بان

آشنا بگردان در زمستان

نویسنده: فیلیدا شریعتون

مترجم: مریم رفیعی

۸۶۵۱۳۵۱

۹۱۶۱۶۰۵

سرشناسه: شریمپتون، فیلیدا

Shrimpton, Phyllida I

عنوان و نام پدیدآور: آفتابگردان در زمستان /

نویسنده فیلیدا شریمپتون؛ ترجمه از مریم رفیعی.

مشخصات نشر: تهران: ایران بان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۹۲: ۵/۵ × ۲۵/۵؛ ۱۳/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۸-۲۹۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: SUNFLOWERS IN FEBRUARY، ۲۰۱۸

موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۱.

موضوع: ۲۱th century - English fiction

شناسه افزوده: رفیعی، مریم، ۱۳۶۴، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ک۸۴ش/PZ۴

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۷۴۷۰۵



FSC
FSC C019963



PEFC
PEFC-COC-13-134

Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.



آفتابگردان در زمستان

نویسنده: فیلیدا شریمپتون
مترجم: مریم رفیعی
تصویرسازی جلد: شری چیمین
چاپ و صحافی: رخداد
نوبت چاپ: پنجم ۱۴۰۳
شمارگان: ۲۵۰ نسخه
قیمت: ۳۴۰/۰۰۰ تومان

نشر ایران بان با همکاری آژانس ادبی کیا در چارچوب
قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر امتیاز انتشار این کتاب
را در سراسر دنیا بستن قرارداد با ناشر (انتشارات هات‌کی)
خریداری کرده است. انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی
از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی
و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

نشانی: تهران - میدان فردوسی - ایرانشهر جنوبی - شماره ۵

تلفن: ۸۸۳۱۵۸۴۹-۵۰

وبسایت: www.ibpublication.com

ایمیل: info@ibpublication.com

اینستاگرام: [ibpublication](https://www.instagram.com/ibpublication)

SUNFLOWERS IN FEBRUARY

Text Copy Right © *Phyllida Shrimpton* 2018

First Published in English language as

"Sunflowers in February" by Hot Key books, an imprint of Bonnier Zaffre, London

Persian translation rights arranged with Hot Key books through Kia Literary Agency.

Cover design and illustration by Cherie Chapman
All rights reserved

First of all, I'd like to express my thanks to *Ms. Phyllida Shrimpton* for writing such a wonderful book and *Ms. Cherie Chapman* for her amazing cover design.

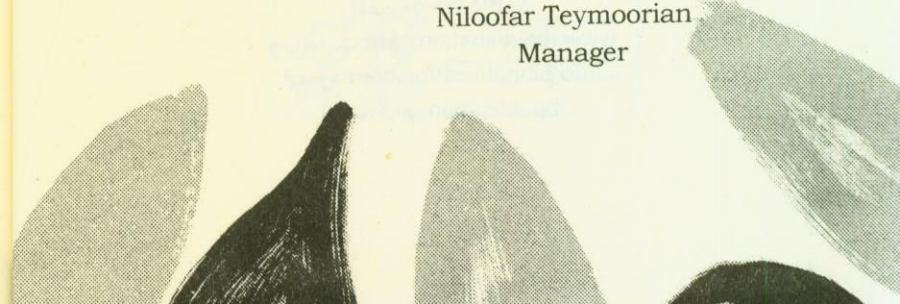
I would like to convey my sincere thanks for *Kia Literary Agency*.

Special thanks to *Hot Key Books Publishing House* for granting Iranban the copyright for the Persian version of this book.

Many thanks to *Ruth Logan* and *Ilaria Tarasconi* for their cooperation. You've been most helpful.

And last, but not least, many thanks to *Maryam Rafiee* for her fine translation of the book.

Niloofar Teymoorian
Manager



پیام فیلیدا شریمپتون برای خوانندگان ایرانی

خوانندگان عزیز،

وقتی از من خواسته شد یادداشتی برای خوانندگان ایرانی‌ام بنویسم، واقعا خوشحال شدم. هنوز هم باید به خودم یادآوری کنم داستانی که سال‌ها پیش رویایش را در سر داشتم حالا به کتابی روی قفسه‌ی کتاب فروشی‌ها و کتابخانه‌ها تبدیل شده. این واقعا هیجان‌انگیز است! فکر اینکه آفتابگردان در زمستان حالا در ایران هم منتشر خواهد شد و شما هم قادر به خواندن آن خواهید بود، دو برابر هیجان‌انگیزتر است. چرا گل آفتابگردان را انتخاب کرده‌ام؟ چون عاشقش هستم! این گل برای من آفتابی است که در گل خلاصه شده و سرهای بزرگ و زرد رنگشان هر مراسمی را نور باران خواهند کرد. حتی در یک داستان احساسی مثل این!

من در اسکس در نزدیکی لندن به دنیا آمدم. فرزند آخر بودم و دو برادر و یک خواهر دارم. دوران کودکی شادی داشتم و سعی می‌کردم در آب‌بازی، بازی در پارک و رقابت‌های بولینگ از بقیه کم نیاورم. دوران نوجوانی بی‌حادثه‌ای را گذراندم و خودم را در موسیقی، هم‌کلاسی‌ها، تعطیلات و خانواده‌ام غرق کردم، البته نه الزاما با این ترتیبی که گفتم! کارشناسی ارشدم را در رشته‌ی مدیریت منابع انسانی گرفتم، گرچه در نهایت آن را کنار گذاشتم تا به عنوان سخنران نیمه‌وقت و مشاور دانشجویان با نوجوانان در یک دانشکده‌ی کشاورزی محلی کار کنم، کاری که واقعا دوست داشتم. اکنون بیشتر وقتم را صرف نوشتن و کشتی گرفتن با نینا، سگ نیوفاندلند ۶۰ کیلویی‌ام می‌کنم. من و همسرم سال گذشته نینا را نجات دادیم و او آن‌قدر خوشحال است

که برای تشکر از ما مرتب سعی می‌کند روی زانویمان بنشیند! وقتی فقط پانزده سال داشتم، یک شب از خواب پریدم. خواب دیده بودم مرده‌ام، ولی از جسم خواهرم استفاده کرده بودم تا کمی بیشتر زنده بمانم. واقعا عجیب، واضح و تکان‌دهنده بود و باعث شد احساساتی قوی را تجربه کنم؛ ترس، ناراحتی، نیاز و عذاب وجدان. وقتی بیدار شدم، ناگهان فهمیدم اگر دیگر هرگز خانواده و دوستانم را نبینم، چقدر دلم برایشان تنگ خواهد شد. چون معلم ادبیات عزیزم سر کلاس اعلام کرده بود فیلیدا شریمپتون زمانی رمان خواهد نوشت، با خودم فکر کردم این خواب هدیه‌ای است که باعث می‌شود پیشگویی او روزی به حقیقت تبدیل شود.

اگرچه این داستان سال‌ها پیش متولد شد، مدت‌ها طول کشید تا به یک کتاب تبدیل شود. ولی این برای من مزیت محسوب می‌شد، چون آفتابگردان در زمستان نه تنها دیدگاه لیلی ریچاردسون نوجوان، بلکه دیدگاه سایر کسانی که تحت تاثیر این اتفاق قرار می‌گیرند را نیز نشان می‌دهد. برای همین موفق شدم از تجربیات زندگی خودم و احساساتم به عنوان یک مادر برای افزایش عمق نوشتارم کمک بگیرم. لیلی یک نوجوان عادی است که دوست دارد زندگی خوبی داشته باشد. او خانواده‌اش را خیلی دوست دارد و دوستانش بخش مهمی از زندگی‌اش هستند. مهم‌تر از همه اینکه لیلی دوست دارد روزی به دور دنیا سفر کند تا بتواند طعم واقعی زندگی را بچشد.

ولی متأسفانه این داستان از روز مرگ او آغاز می‌شود. لیلی در یک چشم به هم زدن می‌فهمد که دیگر خبری از زندگی‌ای که او پانزده سال در زمین از آن لذت برد، نیست؛ که این زندگی در لحظه‌ای نامیمون با ترکیبی از اعمال خودش و راننده‌ی ماشینی که او را کشته،

از او گرفته شده است. لیلی از کجا می‌فهمد این زندگی از او گرفته شده؟ هنوز می‌تواند همه چیز را ببیند و بشنود، ولی کسی نمی‌داند او آنجاست. به این ترتیب داستان دختری آغاز می‌شود که در جریان این سفر می‌فهمد مهم‌ترین چیزها در زندگی چی هستند.

من برای خلق لیلی از ترکیبی از ویژگی‌های مختلف خودم و دخترم استفاده کرده‌ام. لیلی می‌تواند موسیقی بنوازد؛ من هم همین‌طور (یک زمانی). من در نوجوانی می‌ترسیدم از سکوی بالایی استخر پایین بیروم، ولی بر ترسم غلبه کردم! دخترم از فوتبال متنفر است، ولی هر دویمان اسب‌سواری را یاد گرفته‌ایم و هر دو عاشق سفر به دور دنیاایم.

آفتابگردان در زمستان تا حدودی نامه‌ای به خود پانزده ساله‌ام است تا احساساتی را که در خوابم حس کردم به نمایش بگذارد، ولی علاوه بر آن نامه‌ای به دخترم هم هست که هنگام نوشتن این زمان پانزده سال داشت.

ولی این کتاب پیامی برای همگان دارد درباره‌ی زندگی، عشق و آگاهی است و امیدوارم شما هم وقتی داستان لیلی را خواندید، نکته‌ی خاصی در آن بیابید که تا ابد در خاطرتان بماند.

شاید حداقل عزیزانتان را کمی طولانی‌تر بغل کنید.

فیلیدا شریمپتون

